

٤٠

جهتی دور و زیرها مبارکه با

از پلت طوقه بز و ده فرادریم
نه از همه
کارهای اشکان و معاشرین سکوت نهادی
سوب هر زمان ۱۳۴۴ آسان داد
ستادلرهاک و سین هزار فرد باشد
اگون پس از این مدت سپور سهه از این
معطره آنها و اوزو ای اخوار در مردم
پذیر و پوهه اند و ملکه اند
سرخراز ای هنگ آن چیک
دیگر شاهزاده اساساً این کله که خوش
است که اگر آن را بخواهیم
که همچویی خود را دریافت هدایا با دادیم
لشکر است بسیاری این شاه بخارا حمله
دوین است زیرا ای ۱۴۵۰ و ۱۴۵۱
ذوق شاهن شاهن خواه ای اخوار داده است که
دلاورانشون و معاشرین معاونت خواهند
ایم و امدادشان سهل بولایات افغان را بدایم
و اگر ای ایما و دیگر یهادن در مدد
بست مکونت ظاهر فرس و بین خود
دیگر شاهن شاهن داده شده است که در این
سودت تحول ائمی آن خادم گاهه که ای
بوجهرم خود را خواهد.
بوجهرم خود را و ای ایکاری خوست
در گرفتاری و مدان از این میرزا مده و در این
استمارهون صدای ای قریشان بخواز و
شرف ای ای کنور و داشتیم حالم خد
و پیش نمکوون ایم
ما ای ایزد ای ایکاری خوست
بیدارم اولاً دیگر یا پایه ایات سیار
طبق این اساس و لوازمه داشت همان
اصحاص پاسکه هنای و میت هنای
است تایا هنیم و داین در میل و قوع جز
همکار که بروز ای ایکاری خوست
سماک ای ایزد و سماق و قاع و ایستاد
لها ساده و سین و قابل و قدر ایشان
پادگان بچور عصت رای تیغیج خود
نهشیم و پیروزه ایم و گردن که دارد
بریزه هست که هر مخلی بر سرگفتار است
الای این همچویی همکار صادر شود پیشتر
افشار نموده و ایم

پیغمبر آنقدر
بر برخیست ملکه امیرکشی
حذف دست و میز
نهاد سعادت را
مشهد مدنی در دوین کوره امیرکشی
کوهه های برازدگان آن آتش کند
ب درود کارهای خدا را
پايان خواهی درست
زندگان آن آسکه های
رسانی ای امیرکشی
له که آنده است آن
چنانچه

فراخهانیکس یه باره
چو خواهی داشت که هر چیزی اینهاست
دو گونه میتوان گرفت و اینهاست
نیکان را که برای شفافیت مفکر
میشوند و آنها را با شفافیت
لیست کنند که اینها را بخط و خود
نمیتوانند در یک سرمه خود
نمیتوانند که نویزی کنند و خود
نمیتوانند که نویزی کنند و خود
نمیتوانند که نویزی کنند و خود

سرگی و جاواری مه نظری های خطا
لی شهربی - هفتمان - دوستان
سرم ریزی برای زندگی می باشد اینست که
هر چند باز هم کوشش نمکشید
این سکوت حداقت زانی دارد
از پیش بر اهواز و گناهداری که
رسانی به مادرانه ای اند از این
ت و خانس کار گرفته و ای ایت خود
که این کامیک نویگری سایه هر
دوهای از او را بخوبی می ایران در
ت دنگری صدق با میست بپرده
روزانه مه استادواری هشتر برداشته
اجامد آهنگی و مسح تا خامه
استادواری که بر زرد
هدوان از نظر مقدم است - یاده ای
جهه می و خاوتون دنگری صدق در
سبت هم بیوای خان ایران - اندیش
آن دنگری که ای ایت خود
شهیاری خاطع مبارزات مه استادواری
آن دنگ شد است - بسته همراه
بهم اخراج می خواست آن دنگ ای اند
اعمال دنگ استادواری هم برازد

ایجاد دشمنان فلی ایران
دم هزار و نهادهار
مرتفعهاد بود.
می باشد شاهزاده های سلطنتی
کوئی لازمه هم خود ری است شکر
گردانی امیر پسران ۲۸ هزار داده
که این امراء شاهزاده های زیر داشتند

ساختن دست آلات مکانیکی
و غیر قابلی آنها از کنور
کل طبله چهتر ک داده
و صد صلح و رویمه رفاقت

کاگران، دهان، مهاران، شیخان

علیه ارشاد مسیح شہد

باقی گزینه ایست

در آستانه چهارمین سل ...

نه از منته
از ایوان چون را
واعلامه ها و بادا
کردن هر یار است
ماشین از کوره را
های شیطانی خود
نام ملطفه نمود
در راه پیشرفت به
گذشتاری کردند و
بالشیوه امریکا
مشتات با هم خوا
ساخته این کودت
هم انسانی مرد

مردم ایران علیه
در فاصله
پایان و اینها را
مردم ایران برای
برخ من - هرچیز
گردید و دوست ایر
با دولت امیر پالایش
حالاتی در پاریز -
مردو دین و قتل افراد
با اسم در محسن ۷
سنت شد و الامر

میرزا و میرزا
اینی کار
نمایندگان از کارگر
آذربایجان و باختر
امیر نیکان و انتلک
شکنند و بین خاندان
شکنند و بین خاندان
برای نی
است نازل از هنری
سایه و گوکش
نوده ایران اشناد
پاره چار گلخانه
با گوکش و دست
عمل سایه و پاره
پروره های
آجیه
حیف پیچو آشنا
سعادت سنت سعید
سعادت امیر امیر
واحد امیر امیر
برای همینه همین
ملی پاره از هنری

پیروزی پیروزی
برقوای سیاه
بستر سه
برای مبارزه سه
گردد و بتواند سه
سرنگون سانه سه
کوشش را بدل
الله

مورد مای س
امربیکان واد
وبارزه علی
میهن ما درد
داری بشمار
ب-د
احزان ، اند
ظاهرات و
تریدید
سمق شن داد
سیاست خارجی